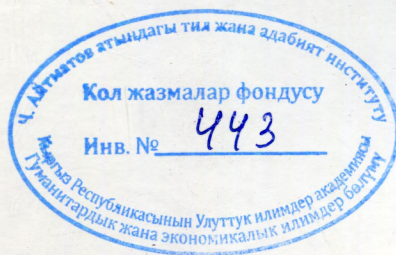


43
80

~~Из архива
К. Кордашева~~



43-1980

صالحه گوید و ما فاطمه
سالن طوری همان طوری
کوب آمدی بخاری
کور و نوکتو آلا طو
هنگامی جایی بود
چاقان جامی شور بود
بارداع بر روی آلا طو
مور و طو چینی همان طوری بود
چور و لپای طورا ریشنا که
باشید یکی باقر خان
بار الی شور که آلا طو
کوگو صابرا او نمید
کود و ده که سوزو کو
نوشندای او چون آید این
قولا جی بایا هگنی دینا
صبا بود که قبله اندای
زیست طوزو آلا طو
پیر پیک نور خان دور الی
میر مالش هگنی عماره
اصفاک بود و نار بود
آرمی میان جانشین
که گلی نعلی با شوی
چار و چول بر به

بهاقتان مولو تو آید
سلاوان تکافا طیک
کوبه لب به نیک جنگالی
کوک جانشیل جو جو اوساوی
هیکو و قو کون پای بود
جاییب مالدار او کوه
چار القادان چو کو جو
موصاف شور باشو تار بود
هنگامی طو لغو نان بود
بالا زمین ایستاد چاقیر خان
باید بر که آن آرقندان
کود و جو شور خان سویله این
طاش طوری قولا سویله این
اوز طور همان طو قور چایرا این
دستاندار حدودان پانیا آلی
فیزیل کوکو چیتان دای
بهنگامی جو مشاق چور قان دای
پوشید صابرا جنگالی
طمش دی جلا سو آلی
آقخان سووور شور بود
آرقند جامی او کو
کون آله کو به شایب
چور الی بیزید که شه شایب